



نماآوای دینی

□ سید محمد باقر خوزازی

سیال، نقش صدا در نما، به عرضه فرهنگ منحط غربی و ماهیت بربریت خویش به جوامع با فرهنگ و تمدن پرداخته‌اند، چرا موخدان و پویندگان راه حق و سربازان دنیای تصویر سپاه اسلام نتوانند با بهره‌گیری از بسیاری اصول عقلانی غیر معارض بادین و شناختن اصول و قواعد اختصاصی نماآوای دینی به عرضه دین پردازند؟ و چرا نتوان با بهره‌گیری از نماآوای دینی دفاع شیعه را به نحو احسن انجام داد و زمینه را برای تهاجم شیعی آماده نمود؟

می‌توان با بهره‌گیری از نماآوای دینی دفاع شیعه را به نحو احسن انجام داد و زمینه را برای تهاجم شیعی آماده نمود.

در کشور ما، ولو پیش از انقلاب «نماهنگها»یی مبتدل و بی‌بهره از ویژگیها و خصوصیات لازم وجود داشت و اوباشی با حضور ایستاده و یا نشسته در استودیوها، تنها در مقابل دوربین به خواندن و اجرای حرکتهای موزون می‌پرداختند، ولی پس از پیروزی انقلاب و با شروع جنگ تحمیلی، کارهایی ابتدایی آن هم با استفاده از تصاویر مستند جنگی، نماهنگها و نماآوایی ساخته شد، که در جای خود قابل تقدیر می‌باشد.

باری! اینک که معدود هنرمندانی متدین با تشویق

گرچه «نماآوا» ریشه در فرهنگ غرب داشته و از تمدن غربی برخاسته است و اینک نیز با گذر از جغرافیای سیاسی و فرهنگها به کشورهای اسلامی و در این اواخر به ایران اسلامی رسیده است، ولی به روشنی می‌توان همانند فیلم بلند و فیلم کوتاه، در این نوع «سینمای مینیاتوری» نیز مسلک را و در نتیجه مادیت و یا دینداری را با مشخصه‌های فنی و محتوایی آن یافت و از آن زاویه افکار و باورها را عرضه کرد.

درست است که در غرب با استفاده از دو هنر سینما و موسیقی، نماهنگها و نماآوایی روائی و غیر روائی ساخته شده است، ولی همانطوری که دین در سینما دارای سخن فنی و محتوایی است، و موسیقی را نیز مورد حکم و فرمان قرار داده است، نیز می‌توان از نماآوا بهره گرفت. چه بسا شاید بتوان روزی را یافت که بر خلاف شبکه‌های مبتدل و نامناسب ام‌تی‌وی، شبکه‌ای فرهنگی از نماآوای دینی ساخت و پیامهای دینی را در کوتاهترین زمان ممکن و با تندترین و کوبنده‌ترین حالت به بینندگان جوان آن عرضه نمود.

به راستی اگر غریبان از ترکیب‌سازی دو فن صدا و تصویر به ساخت سینمای مینیاتوری پرداخته‌اند؛ و اگر از زاویه تمامی اجزای آن همانند نورپردازی، رنگ، جمع نامتجانس اجزاء، عدم وحدت زمان و مکان، دوربین



سوژه، روایت و توصیف می‌نماید.

نماآوا، رسانه‌ای است که با بهره‌گیری از تصاویر تجربیدی، گزیده، فشرده، ظریف و پر از گدازه و بر اساس تمثیل و استعارات، به بیانی نظم‌آگین، از یک سوژه، روایت و توصیف می‌نماید.

بر اساس تعریف فوق، باید بر این باور بود که:

۱- نماآوا رسانه‌ای با کارکرد خیالی جهت یافته است، بنابراین با سینمای داستانی و قصه‌ای تفاوتی اساسی از حیث محتوا دارد. درست است که نماآوای برتر از حیث فنی، نماآوایی است که از اصول فنی و رؤیایی بهره دارد، ولی باید توجه داشت که رؤیایها و آرزوهای مطلوب شارع دینی، باید محور نماآوا قرار گیرد؛ زیرا که تخیل، وسیله‌ای برای رسیدن به تعقل و تعقل زمینه‌ساز یافتن شهود و عرفان دینی است. بنابراین نماآوای دینی، بیانی صادق از رؤیای انسان آرزومند بر مطلوبات واقعی است؛ نماآوای دینی، بیانی تخیلی از واقعیه‌های

نماآوای دینی، بیانی صادق از رؤیای انسان آرزومند بر مطلوبات واقعی است.

نماآوای دینی، خلق واقعیات ناپیدای احساس شده در درون فطرت انسانهاست.

ماوراء حس و ابزارهای پست احساسی است؛

سازمانهای رسانه‌ای انقلاب، به ساخت، تدوین و عرضه نماآوا و نماهنگهای روایی سیاسی - اجتماعی پرداخته‌اند، تعدادی از عناصر جریان سکولاریسم وطنی نیز تلاش دارند، تا از نماآوای غیر دینی و نماهنگهای طنزآلود، فرهنگ غرب را از زاویه سینمای مذکور عرضه نمایند.

حزب‌الله بر این باور است که با حضور متمهدانه و متخصصانه در این نوع سینمای مینیاتوری می‌توان به عرضه دین و معارف وحی پرداخت و با تدوین تصویری محتواهای دینی از آن، برای دفاع و سپس تهاجم شیعی استفاده نمود.

حال که حزب‌الله بر این باور است که با حضور متمهدانه و متخصصانه در این نوع سینمای مینیاتوری می‌توان به عرضه دین و معارف وحی پرداخت، باید قبل از هر چیز آن را خوب بشناسد و از تکنیکهای عقلانی آن که معارض با اصول و حیانی نباشد، بهره گرفت و با تدوین تصویری محتواهای دینی از آن، برای دفاع و سپس تهاجم شیعی استفاده نمود.

قبل از هر چیز، اشاره به نکات مقدماتی زیر ضروری است:

اول: نماآوا، رسانه‌ای است که با بهره‌گیری از تصاویر تجربیدی، گزیده، فشرده، ظریف و پر از گدازه و بر اساس تمثیل و استعارات، به بیانی نظم‌آگین، از یک



نماآوای دینی، خلق واقعیات ناپیدای احساس شده در درون فطرت انسانهاست، به همین خاطر نیز جمعی است و به خاطر جمعی بودن، عرفی است و به خاطر عرفی بودن، کامل است، ولو تصاویر خود ناقص و گزیده‌های عرضه شوند.

سینمای مینیاتوری با زیرکی، ذهن مخاطبان را به بازی می‌گیرد، تا ذهن آنان به نحو «مصدری» - و نه «انفعالی» - سازنده حقایق و یا نتایج مطلوب و مورد نظر باشد.

بیان تصاویر و صدای نماآوای دینی بیش از تعداد تصاویر و صدای آن است، سینمای مینیاتوری با زیرکی، ذهن مخاطبان را به بازی می‌گیرد، تا ذهن آنان به نحو «مصدری» - و نه «انفعالی» - سازنده حقایق و یا نتایج مطلوب و مورد نظر باشد. از این جهت باید مخاطبان نماآوای دینی را مخاطبانی هوشمند، متفکر و شریکان در ساخت دانست.

گزیده‌ای بودن تصاویر نماآوا، شرط مقوم آن است.

۲ - گزیده‌ای بودن تصاویر نماآوا، شرط مقوم آن است، چنانکه فشرده‌گی تصاویر جهت تعیین سوژه مورد نظر، از دیگر شرایط ضروری آن است.

نماآوای دینی، باید با ریسک در عرضه همراه باشد.

بنابراین نماآوای دینی، باید با ریسک در عرضه

همراه باشد. به دیگر سخن، تحدی تصویری داشته باشد؛ زیرا که دین برگزیده را باید با گزینش تصویری عرضه کرد، تا در عین سادگی، بتوان معارف پیچیده و حیاتی را با همان معانی پرمحتوای نهفته در درون برای تمام اقشار عرضه نمود. آری! نماآوای دینی بازسازی سریع و کوبنده از پیام وحی از زاویه تصاویر آواگر است، پس باید بر کیفیت تصاویر، محتوا و نوع گزینش نورپردازی‌ها افزود.

نماآوای دینی بازسازی سریع و کوبنده از پیام وحی از زاویه تصاویر آواگر است.

دوم: اگر نماآوا، یک ابزار سینمایی است؛ و اگر هر ابزار سینمایی، پیام‌رسان فرهنگی خاص است؛ و اگر عرضه فرهنگ خاص از راه نماآوا، تنها از راه شکل‌دهی تمام اجزاء درونی قابل دیدن و یا شنیدن میسر است؛ و اگر فرهنگ دینی، فرهنگ اجتهادی - و نه تقلیدی - است؛ و اگر تعارض میان فرهنگها، ضرورتی انکارناپذیر

نماآوای دینی، غیر از نماآوای غربی و معارض با نماهنکهای شهوانی است.

است؛ و اگر عرضه فرهنگهای دینی تنها برای سلطه نهایی آن است - و نه برای گفت‌وگو بی‌حاصل و تداوم‌بخش جهل ابوجهلان فرصت جوی روزگار - و اگر نماآوای دینی، غیر از نماآوای غربی و معارض با نماهنکهای شهوانی است؛ و اگر اقتضای بیان دینی، وزن و قافیه آهنگینی است که خود اقتضامند تصاویری



همگون و متناسب با خود است، پس باید بر این باور بود که:

۱- نماآوای دینی، نه نماهنگ است و نمانوا؛ زیرا که پیام وحی نه با آهنگ همراه بوده است و نه با نوای ناسرشته با جوهرهٔ انسانی.

نماآوای دینی، در عین کامل بودن اجمالی از یک تفصیل است.

۲- نماآوای دینی، در عین کامل بودن اجمالی از یک تفصیل است، نه آن که ناقص باشد و در فرض «تمام» بودن، از قبض و بسط معرفتی برخوردار باشد.

نماآوای دینی ترکیب معنادار، فشرده، گزینش شده بر اساس میانی و حیانی هنر فیلم‌سازی و ترکیب آن با مضامین بلند و جاودانهٔ پیام وحی با همان مضامین ساده - در عین هفتاد بطنی - و با بهره‌گیری از صداهای آشنای! ناشنیده و سادهٔ طبیعی - و نه مصنوعی - است.

نماآوا باید در محتوا، «دین» واقعی را - که همانا تشیع اثنی‌عشری است - محور قرار دهد و باید از تکنیکهای متناسب با عرضهٔ مفاهیم دینی و تحریک ساز از انگیزه‌های دینی بهره‌گیری کرد.

۴- نماآوای دینی، هرگز بیانی روائی از شعر و موسیقی سکولاریستی نیست، تا با به هم درآمیختن چندین خانواده از هنر، نمانوایی را بسازد که جدای از تأثیرگذاری از نوع غربی و مادی، بتواند از نوع نقاشی‌های سورئالیستی و رادائیسمی و گرافیک مدرن! و یا حتی «پاپ آرت» بهره داشته باشد. درست است که ریشهٔ «نمانوا» و «نماهنگ»، غربی بوده و زایندهٔ فرهنگ ناهنجار آن است، ولی به راستی می‌توان از این ابزار سینمایی مینیاتوری و با استفاده از عوامل فنی و زیبایی شناختی استیتیکی، از آن ابزاری ساخت که بدون محو شدن در نوعی ذوق‌زدگی غربی، از آن برای بیان و عرضهٔ مفاهیم و بلکه معارف دینی بهره‌گرفت.

همگون و متناسب با خود است، پس باید بر این باور بود که:

۱- نماآوای دینی، نه نماهنگ است و نمانوا؛ زیرا که پیام وحی نه با آهنگ همراه بوده است و نه با نوای ناسرشته با جوهرهٔ انسانی.

نماآوای دینی، در عین کامل بودن اجمالی از یک تفصیل است.

۲- نماآوای دینی، در عین کامل بودن اجمالی از یک تفصیل است، نه آن که ناقص باشد و در فرض «تمام» بودن، از قبض و بسط معرفتی برخوردار باشد.

نماآوای دینی ترکیب معنادار، فشرده، گزینش شده بر اساس میانی و حیانی هنر فیلم‌سازی و ترکیب آن با مضامین بلند و جاودانهٔ پیام وحی با همان مضامین ساده، با بهره‌گیری از صداهای آشنای! ناشنیده و سادهٔ طبیعی - و نه مصنوعی - است.

۳- نماآوای دینی، نماآوایی است که در تمام تار و پود آن از تصاویر گرفته تا مضامین و از مضامین تا صدا و آوای دلنشین همه و همه پیام‌رسان جانسوز از یک معرفت دینی و یا یک واقعیت مورد توجه شارع دینی است، پس نماآوای دینی صرفاً جمع تصاویر نیست، چنانکه التقاط تصاویر با صدای دینی نیست، ترکیب تصاویر دارای



آری! نه تنها نماآوا باید در محتوا، «دین» واقعی را - که همانا تشیع اثنی عشری است - محور قرار دهد و نه تنها باید از تکنیک‌های متناسب با عرضه مفاهیم دینی و تحریک ساز از انگیزه‌های دینی بهره گیرد، بلکه باید از روشها، استفاده فراوان و بسی ظرفیت اسلوموشنی، وُله‌های تصویری، نورپردازی‌های مسخره غبارآلود، خیمه‌های کدر، برهم‌اندازی‌های تصویری که هیچ کارکرد مفهومی ندارند و نیز ایزالوها و نمادسازی‌های سطحی، زمان ناسنجی نماها و ریتم‌های نابخردانه تدوینی، کنتراستهای رنگی مزاحم و جلوه‌فروشی‌های بی‌مزه و ابتدایی و بالاخره کادرهای کج و کوله ناشیانه نیز پرهیز کند. ■

... ادامه دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی